



جمعه ۲۸ جولای ۲۰۲۳

انارگل خوستی

لجاجت و سماجت آقای ملکیار

در قبال نشر نوشته های من (انارگل خوستی) در مورد جفنگ گویی

های ایشان

قسمت چهاردهم

از اینکه در نوشته های من به جفنگ گویی های آقای ملکیار تأخیر رخ داد، تنها دلیل آن مسائل تخنیکی بود و دیگر هیچ مانع در برابرم وجود ندارد.

آقای ملکیار مثل اینکه عادت شان است که در هر مورد باید هر دو پا را در یک موزه داخل نموده و بگویند شیر سیاه است و شکرهم شور و چیزیکه من میگویم و می نویسم، درست است و دیگران همه دروغ می گویند و سخنان شان نادرست است. حالا می نویسند که انارگل خوستی اینجانب نبوده، بلکه کس دیگر است.

در این قسمت باز هم سفسطه گویی را به حد آخر رسانیده اند.

یک - مثلاً می گویند که من به سوالات یک عده بسیار محترمانه جواب گفتم: خدایا این چه نوع انسان است که دروغ را به شاخی باد می کند، هموطنانیکه در وبسایت ها از شما سوال کردند، یا جواب ندادید یا چند دشنام نثار شان کرده اید.

دو - باز می نویسند که تحقیقات شان، نظر به گفته های شاهدان عینی، محترمان آقای ولید اعتمادی و آقای عبدالله اعتمادی، آقای محشور و آقای ظریف تهیه گردیده است، جالب این است که متوجه نیستند که آقایان اعتمادی هر دو، شهید ساختن احمد ظاهر را تصدیق کرده اند. آقای ظریف نام که شاید مانند دیگر تخیلات تان ظریف نام نیز یا وجود خارجی ندارد و یا اگر دارد به قرار نوشته شما خارنوال بوده و مربوط حزب بر سر اقتدار وقت: چرا باید به شما راست گفته باشد؟

آقای محشور به هیچ صورت قابل اعتبار نیست چون وی در این موضوع قتل در ساحه نبوده است.

آقای ملکیار می نویسند که من (انارگل) انتقاداتم ضعیف و اهانت آمیز است. نخیر آقای محترم همه انتقادات من با اسناد و شواهد اظهار گردیده است و به شما هیچ نوع اهانت صورت نگرفته است. اما این شما هستید که در مقابل همه، از خشونت و دشنام استفاده می کنید و حتی در مقابل سوال یک شخص شروع به اهانت به حضرت پیامبر محمد رسول الله (ص) نمودید و شخصی دیگری به نام حبیب الله را چنان مورد اهانت قرار دادید که فکر می کنم از سوال نمودن منصرف شده باشند. به خاطر دارم که قبلاً در مورد شهید سردار محمد داوود خان، نیز به یک سلسله دروغ های شاخدار متوسل شده بودید، که مورد سوالات زیادی قرار گرفتید، اما جواب هیچ کس را داده نتوانستید. فلذا سفسطه نویسی عادت دیرینه شماست.

قسمت های اخیر سفسطه سرائی های جناب محترم ملکیار یا در سایت ها اقبال نشر نیافت، یا هم بعد از یکی دو روزی نظر به انتقادات مکرر هموطنان، از سایت ها حذف گردیدند. باید به عرض جناب آقای ملکیار رسانده شود که باز هم در راه غلط و اشتباه گام گذاشته اند. اسم من انارگل است و تخلص خوستی را در هنگام جوانی خود برگزیده ام، چون زادگاهم ولایت زیبای خوست است، اما در کابل بزرگ شده ام.

در مورد من هر چه فکر می کنید، اختیار دارید، من از بچه ترسانی اشخاص مانند شما ترس و بیم ندارم. در میان خون و آتش قد کشیده و به جوانی رسیده ام و در میان خون و آتش هنوز هم نفس میکشم و مرگ را بار بار از خیلی نزدیک شاهد بوده ام. مرگ در ذات خود هیچ وحشت و بدی ندارد، فقط ترس از مرگ است که وحشتناک است و این ترس نظر به شرایط بد جنگی در بیشتر از چهل سال گذشته، در وجود من زائل گردیده است. اینهم از فوائد جنگ.

باز هم از لجابت که به یقین مختص طبیعت شماست (مانند تهیه راپور برای بی گناه کشیدن دوست تان محبوب الله پاچا) استفاده کرده و می فرمائید که من نه از خوست هستم و نه در کابل زندگی میکنم و... هرگاه به کابل جان قدم رنجه فرمودید، نمبر تیلیفون و آدرس خود را در اختیار تان خواهم گذاشت و باهم یک (دنده کی) تند و تیز خواهیم خورد، البته دست پخت من چندان تعریفی ندارد، اما کم ما و کرم شما.

جناب محترم انتقادات من ضعیف نیست، بلکه در هر قسمت نوشته هایم منابع مختلف ارائه گردیده و سوالات مشخص مطرح گردیده است که به هیچکدام از آنها پاسخی ارائه نشده است. شما به سوالاتی که برای تان راجع می شود، به جای جواب، از قهر و غضب کار می گیرید چون جواب ندارید. نظرات مختلف را یا بی جواب گذاشتید و یا بالای سوال کننده غضب شده اید.

من متوجه شده ام که شخصی به نام حسیب الله یک تعداد سوالات را به شما راجع ساخته است، اما شما به جای جواب، وی را توهین نموده اید.

من نمی خواهم باز هم عینه به بینه از یک جانب تمام نقاط ضعیف شما را و از جانب دیگر حقایقی را که با مدرک برای تان نوشته ام، و هم نظرات اکثریت مردم است، مانند افسانه سرمگسگ تکرار کنم.

شما خواستید که در این قضیه هم شاهد، هم وکیل دعوا و هم قاضی محبوب الله پاچا باشید و به این طریق هم خود را مطرح کنید و هم رفیق تان را تبرئه. به اطلاع جناب شما می رسانم که در هر دو مورد به خطا رفته اید.

آقای ملکیار فقط به همین یک سوال جواب بدهید، در قسمت های اول سفسطه گویی های تان فرموده بودید، که شما موتر را در ریاست ترافیک مورد بررسی قرار دادید.

یک - به صفت مسئول کدام ارگان امنیتی؟

در حالیکه موتر چندین روز بعد توسط محترم عبدالله اعتمادی به حویلی محترم داکتر ظاهر خان مرحوم انتقال داده شد.

پس در این مورد چه جواب دارید؟

مانند این سوال، سوالات زیادی برای تان راجع گردید، اما برای هیچ کدام جواب ندارید.

این که شما باز خواسته اید که بچه ترسانی کنید که در دهه نود علیه یک جریده در محکمه کلیفورنیا شکایت درج کردید، و حکم محکمه به نفع شما صادر شد و صاحب یک لک دالر نیز شدید. مبارک تان باشد، اما در افغانستان فعلی معاملات با دالر نه، بلکه با افغانی صورت میگیرد.

به یقین که برنده دعوا من خواهم بود و در صورتیکه شما جریمه پردازید، متاسفانه من یک لک دالر نه، بلکه شاید یک لک افغانی به دست بیاورم، که همان هم صدقه سر عزیز تان. من هیچگاه دعوا جلب نبوده ام و از چنین کارها سخت نفرت دارم، آنها در مورد یک هموطن.

ادامه دارد...